

دعای خیر نخست‌وزیر را دریافت کردم. می‌دانستم که رابین از من حمایت می‌کند و اعتقاد داشتم که او را ناامید نخواهم کرد.

یک بار دیگر به او اطمینان دادم جوانب احتیاط را رعایت خواهم کرد و من می‌توانم شهادت دهم که بر سر قولم ماندم. حتی ربکا، همسرم، که معمولاً چیززی دربارۀ عملیات‌های سری که در آنها شرکت داشتم نمی‌دانست، برای اولین بار درباره «ماجرایجویی گرجستانی» تنها زمانی شنید که نشستم تا زندگی‌نامه‌ام را بنویسم.

۱۵ فوریه ۱۹۹۳، یک روز بارانی و به‌خصوص سرد، سوار بر هواپیما در راه مسکو بودم.

در هیئت همراه با من به روسیه پروفیسور ایلیا زامزوف، دستیار وزیر سابق علوم، پروفیسور یووال نتمان و دوست قدیمی‌ام رهاویا وردای بودند.

باور داشتم که حضور پروفیسور زامزوف که به روابط تنگاتنگ با مقامات حکومت در روسیه و گرجستان می‌باید، به من کمک خواهد کرد تا برنامه‌ام را به پیش ببرم. در مسکو فرود آمدیم و بعد از دو ساعت دوباره در آسمان بودیم، این بار در هواپیمای

مهمانسرای ریاست‌جمهوری هدایت کردند. تفلیس، پایتخت گرجستان، از برف سفید و عمیق پوشیده شده بود. در هر مکانی نشانه‌های وضعیت دشوار را می‌دیدم. تعداد اندکی ماشین در جاده‌ها، اکثرشان از مدل‌های قدیمی که در اسرائیل جرأت نمی‌کنند آنها را روی جاده حرکت دهند. کنار هر جایگاه سوخت صف طولانی ده‌ها ماشین امتداد داشت که صاحبانشان امید داشتند کمی از این مایع گران‌بها را به دست آورند.

داستان‌هایی را که قبلً درباره زیبایی و تمسول این کشور و پایتختش تفلیس شنیدم به یاد آوردم که گاهی اوقات یکی از شهرهای جالب توجه در اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شد.

آنجا هم نشانه‌های بحران سختی که بر کشور می‌گذشت قابل مشاهده بود. متعجب شدم [وقتی] دیدم علی‌رغم سرمای شدید – این یکی از زمستان‌های سختی بود که گرجستان می‌شناخت – وسیله گرمایشی در منزل رئیس‌جمهور به دلیل صرفه‌جویی تقریباً کار نمی‌کرد. به خاطر افزایش سرمای یخبندان تمام کارکنان محل پالتهای زمستانی سنگین می‌پوشیدند. پس از میهمانی، برای دیدار تجاری با رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر به [یک] ساختمان دولتی در شهر رفتیم. این اولین ملاقاتم با شواردنازه بود، اما احساس کردم که من به‌خوبی این مرد در سایه را می‌شناسم با اطلاعاتی که درباره‌اش جمع کردم قبل از آنکه به گرجستان

در فرودگاه دستیار رئیس‌جمهور شواردنازه منتظر ما بود. از آنجا ما را با احترام کامل به سوی مهمانسرای ریاست‌جمهوری هدایت کردند. تفلیس، پایتخت گرجستان، از برف سفید و عمیق پوشیده شده بود. در هر مکانی نشانه‌های وضعیت دشوار را می‌دیدم.

پاورقی Research@kayhan.ir

شواردنازه به مدت سیزده سال به عنوان ریاست کل حزب کمونیست در گرجستان خدمت کرد و عملاً کشوری را که بخشی از اتحاد جماهیر شوروی بود مدیریت کرد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گرجستان استقلال خود را به دست آورد و به هرج‌ومرج سیاسی و اقتصادی کشیده شد.

جولای ۱۹۹۲ شواردنازه کشور را که در آستانه فروپاشی اقتصادی قرار داشت نجات داد. علی‌رغم شهرت بسیاری که از آن لذت می‌برد، وضعیت گرجستان رو به بهبودی نرفت و کشور برای هر خرده کمکی فریاد می‌زد.

از اولین لحظه‌ای که با او ملاقات کردم احساس کردم که بین ما سازگاری ایجاد شد. شواردنازه می‌دانست چگونه میهمانش را تحت تأثیر قرار دهد.

در مدت هرج‌ومرج اتحاد جماهیر شوروی سابق او یکی از کسانی بود که ثبات و سلامتی روانی را پخش می‌کرد. او به نظر من رهبری می‌رسید که تجارت با او ممکن بود.

اولین ملاقات تا ساعات پایانی شب به طول انجامید. گرجستانی‌ها هر گونه کمک ممکن را درخواست کردند، به‌خصوص غذا و دارو.

به آنها اجازه دادیم تا درک کنند که ما آدرس مناسب هستیم[سراغ خوب کسی آمده‌اند] و مقرر کردیم تا گفت‌وگو در انجمن محدودتری ادامه یابد تا در مورد جزئیات تجهیزاتی که می‌توانیم برایشان فراهم کنیم و درباره راههای پرداخت آن بحث کنیم. از آنجا به دفتر کار شواردنازه رفتیم.

به جز من و رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر تنگیز سیکو، شهردار تفلیس و دو تن دیگر از مشاوران هم شرکت داشتند.

از طرف من پروفیسور زامزوف و رهاویا وردای در جلسه شرکت کردند. برای رئیس‌جمهور سابق‌ه‌ام به عنوان مستشار ارش اسرائیل در تهران را نقل کردم. متعجب شدم، خیلی برایش نیاز به یادآوری نبود! مشخص شد که رئیس‌جمهور گرجستان هم کار اطلاعاتی انجام داده و به‌خوبی به بیوگرافی من اشراف دارد.

اما برای هر دو ما مشخص بود که موضوع اصلی بیوگرافی ما نیست، بلکه این است که ما چگونه می‌توانیم به یکدیگر کمک کنیم.

شواردنازه هدفش را مخفی نکرد: «کشور ما در سخت‌ترین وضعیت اقتصادی و سیاسی قرار دارد.

ما هم مثل اسرائیل با کشورهای مسلمان احاطه شدیم». اسرائیل و گرجستان می‌توانند در زمینه‌های بسیاری با یکدیگر همکاری کنند. به جز این گرجستان می‌تواند مانند پلی برای نزدیکی به ایران به اسرائیل خدمت کند.»

علامه محمدتقی مصباح یزدی

انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن - ۲۰

نقاط عطف تاریخ ایران از مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی



نظامی نیز فقط مخصوص نیروهای مسلح نیست، بلکه تمام نیروهای مردمی در هنگام نیاز باید مشارکت داشته باشند و در کنار نیروهای نظامی خود بپیکار کنند.

ویژگی اسلام در بین مکاتب مختلف جهان این است که به‌کارگیری تمام توان را جهت دفاع،

مورد تأکید قرار می‌دهد. در عین حال توصیه می‌کند که هیچ‌گاه نباید خود را در برابر دشمن، خوار، ضعیف و شکست‌خورده احساس کرد؛ زیرا هر اندازه توان و نیروی مسلمانان کم باشد، اگر تمام توان خود را برای دفاع از خود به کار بندند، خداوند متعال این کمبودها را با نظرهایی غیبی خود جبران خواهد کرد. شرط بهره‌گیری از حمایت‌های الهی این است که مؤمنان تمام آنچه که در توان دارند را برای دفاع به کار گیرند و وجود برخی از افراد و گروه‌های متخلف، آنان را از این فیض محروم نمی‌سازد.

قرآن کریم نیز هنگامی که از تاریخ اسلام دارد که مؤمنین واقعی که حاضر به اجرای دستورات خداوند هستند و مال و جان خود را در راه اسلام، دین حق و نظام عادلانه در طبق

اخلاص می‌گذارند، باید در این زمینه جدیت داشته باشند؛ حتی اگر در کنار آنان، افرادی سست‌عنصر، راحت‌طلب و تنبل و یا حتی معاند و توطئه‌گر حضور داشته باشند.

د - حفظ وحدت کلمه
وحدت کلمه که عاملی اساسی در پیروزی انقلاب است، در حفظ انقلاب نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. برای ایجاد وحدت در جامعه یک محور مشترک نیاز است تا همگان حول محور آن در حرکت باشند. محبت و الفت میان مؤمنان نیز عامل وحدت است و وحدت را در جامعه اسلامی و از این فیض محروم نمی‌سازد.

البته باید توجه داشت که ملاک وحدت در جوامع مختلف است، گاه همخوانی، گاه هم‌زمانی و گاهی‌نیز هموطن بودن، ملاک ایجاد وحدت

موجودیت خانواده من غیرقابل باور است. من امروز اینجا هستم فقط به این دلیل که پدربزرگ و مادربزرگم از هولوکاست^(۱) جان سالم به در بردند و بعداً به آمریکا آمدند. آنها یکی از مهم‌ترین چیزهایی را که یاد گرفته‌ام به من آموختند: زندگی هدیه‌ای است که

نواخته می‌شد و مادربزرگم و سایر ساکنان محله یهودی‌نشین نگاه می‌کردند، آلمانی‌ها یکی‌یکی به سر آنها شلیک کردند. سپس نازی‌ها پنجاه دختر جوان یهودی، از جمله مادربزرگم را مجبور کردند خون‌ها را تمیز کنند و اجساد را روی واگن‌ها بچینند تا به گور دسته‌جمعی منتقل شوند.

رائه و جوزف با استفاده از نام خانوادگی مادربزرگم، کوشنر، درخواست دادند که به آمریکا بیایند، زیرا پدربزرگم به‌خاطر قاچاق سیگار به داخل اردوگاه برای تأمین امرار معاش خانواده‌اش یک سوءسابقه دستگیری داشت. همان‌طور که مادربزرگم سال‌ها بعد به یاد می‌آورد، «ما به هر جایی می‌رفتیم که در آزادی زندگی کنیم، اما هیچ‌کس ما را نمی‌خواست.»

خاطرات «جرد کوشنر» داماد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا - ۶

هستی غیر قابل باور

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان



در تمام مدت، آلمانی‌ها در میدان می‌رقصیدند. در حالی که زنان جوان خون‌ها را از روی سنگ‌ها می‌شستند، موسیقی همچنان پخش می‌شد.

تا سال ۱۹۴۳، تنها چند صد نفر از سی هزار یهودی اولیه باقی‌مانده بودند. مادربزرگم و بازماندگان، با اینکه خطر مرگ تهدیدیشان می‌کرد، مخفیانه تونلی به طول ششصد فوت حفر کردند و صورانه منتظر رعدوبرق شبانه بودند تا فرارشان را بنهان کند. حدود ۲۵۰ نفر به‌صورت سینه‌خیز وارد تونل باریک شدند. جوان‌ترها ابتدا رفتند، زیرا می‌توانستند با سرعت بیشتری در تونل حرکت کنند و بهترین شانس را برای فرار داشتند، اما رائه تصمیم گرفت با پدرش در انتهای صف بماند. در یک چرخش سرنوشت، این تصمیم احتمالاً زندگی او را نجات داده است. برادارش به همراه بقیه جوانان از تونل بیرون آمدند تا به ضرب گلوله نازی‌ها کشته

می‌تواند در یک لحظه از ما گرفته شود. مادربزرگ من، رائه کوشنر^(۲)، شانزده‌ساله بود که آلمانی‌ها در سال ۱۹۳۹ به لهستان حمله کردند. خانواده شش‌نفره او در نووگرودوک^(۳)، شهری آرام واقع در شرق لهستان، که اکنون بخشی از بلاروس است، زندگی می‌کردند. در سال ۱۹۴۱ آلمانی‌ها کنترل این منطقه را به دست گرفتند و حدود ۳۰ هزار یهودی را به یک محله یهودی‌نشین منتقل کردند. در طی دو سال بعد، نازی‌ها به‌طور نظام‌مند ساکنان محله یهودی‌نشین، از جمله مادر و خواهر مادربزرگم، را از بین بردند. در یک دور کشتارها، آلمانی‌ها یهودیان تحصیل‌کرده باقیمانده - حدود ۱۵۰ پزشک، وکیل، استاد و معلم - را به میدان شهر آوردند. بیرون آمدند تا به ضرب گلوله نازی‌ها کشته

می‌توان با انحرافات مبارزه کرد و آن‌ها را خنثی ساخت. باید زمینه زنده ماندن ارزش‌ها و باورهای اسلامی را تقویت کرد تا این انقلاب بتواند در سایه عواطف و احساسات دینی، از هرگونه انحراف مصون ماند.

فصل دهم: دوران نهضت مشروطه

«تاریخ درس عبرت است برای ما. شما وقتی تاریخ مشروطیت را بخوانید می‌بینید که در مشروطه بعد از این‌که ابتدا پیش رفت، دست‌هایی که ارزش‌ها و باورهای ایران را به دو طبقه تقسیم‌بندی کرد، نه ایران تنها، از روحانیون بزرگ نجف یک دسته طرفدار مشروطیت، یک دسته دشمن مشروطه، علمای خود ایران، یک دسته طرفدار مشروطیت، یک دسته مخالف مشروطه... و این یک نقشه‌ای بود که نقشه هم تأثیر کرد و نگذاشت که مشروطه به آن طوری که علمای بزرگ طرحی را ریخته بودند، عملی بشود.

به‌آن‌جا رسانند که آن‌هایی که مشروطه‌خواه بودند به دست یک عده کوبیده شدند؛ تا آن‌جا که

ملت مسلمان ایران با اتکا به فرمان و فتوای مراجع تقلید و رهبران دینی توانست بر قدرت‌های بزرگی چون سلطنت قاجار غلبه کند و مقاومت روحانیان و مردم و تحصن آنان در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی و حرم حضرت معصومه(س)، مظفرالدین شاه قاجار را مجبور ساخت تا صدراعظم مقتدري همچون عین‌الدوله را بر کنار کند و به برگزاری انتخابات و تأسیس مجلس شورا و تدوین قانون اساسی تن دهد.

مثل مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری در ایران برای خاطر این‌که می‌گفت باید مشروطه مشروعه باشد و آن مشروطه‌ای که از غرب و شرق به ما برگردانده اند، در همین تهران بر دار ززند و مردم هم پای دار او رقصیدند تا کف زدند.^(۴)

۱. مقدمه

در تاریخ اخیر ایران، چندین جنبش و حرکت اجتماعی رخ داد که منشأ تحولات در ساختار حکومتی و نیز جامعه ایران گردید. از آن جمله می‌توان به نهضت مشروطه اشاره کرد که در ابتدا با هدف مبارزه با دیکتاتوری شکل گرفت، اما در ادامه مسیری را پیمود که بسیاری از پیشگامان آن نهضت را از عمل خود پشیمان ساخت؛ چراکه از نظر آنان دیکتاتوری نه‌تنها با این جنبش، از جامعه ایران رخت برنست، بلکه همین نهضت، بهانه‌ای برای تشکیل حکومت‌های مستبد دیگری در ایران گردید. لذا بررسی این جنبش می‌تواند منشأ برخی حرکت‌های اجتماعی بعدی را نشان دهد و در همین راستا به ادعای کسانی پرداخته خواهد شد که معتقدن جنبش مشروطه یکی از زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی بوده است.

۲. منشأ پیدایش نهضت مشروطه در ایران

صفحه ۱۰

چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۵

۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ - شماره ۲۴۲۳۰

شوند. از ۲۵۰ نفری که وارد تونل شدند، تنها ۱۷۰ نفر توانستند که جنگلی که در آن نزدیکی بود فرار کنند. رائه، پدرش و خواهر کوچک‌ترش از جمله نجات‌یافتگان بودند. آنها به اعماق جنگل گریختند و به پارتیزان‌ها پناه بردند - گروهی از مبارزان آزادی که اردوگاه‌های مخفی در اعماق جنگل ایجاد کرده بودند و اقدامات جسورانه مقاومتی را بر ضد نازی‌ها انجام می‌دادند. در میان پارتیزان‌ها، رائه با مرد جوانی از یک شهر همسایه، جوزف بروکویتز^(۵)، کوچک‌ترین فرزند از هشت فرزندی که در یک خانواده فقیر خیاط به دنیا آمده بود، دوباره ارتباط برقرار کرد. وقتی جنگ به پایان رسید، رائه و جوزف به مجارستان گریختند و در آنجا ازدواج کردند. یک روز پس از عروسی، آنها از طریق کوه‌های آلپ اتریش و از مرز به اردوگاه آوارگان ایتالیایی رفتند. آنجا با استفاده از نام خانوادگی مادربزرگم، کوشنر، درخواست دادند که به آمریکا بیایند، زیرا پدربزرگم به‌خاطر قاچاق سیگار به داخل اردوگاه برای تأمین امرار معاش خانواده‌اش یک سوءسابقه دستگیری داشت.

همان‌طور که مادربزرگم سال‌ها بعد به یاد می‌آورد، «ما به هر جایی می‌رفتیم که در آزادی زندگی کنیم، اما هیچ‌کس ما را نمی‌خواست.»

آنها سه سال و نیم در آن اردوگاه پناهندگان منتظر ماندند تا به آمریکا بیایند. مانند بسیاری دیگر در آن زمان، آنها با دیدن مجسمه آزادی در بندر نیویورک می‌دانستند که بالاخره موفق شده‌اند.

دو روز پس از ورود، پدربزرگم زود در یک کارگاه ساختمانی در بروکلین حاضر شد و می‌خواست به سختی کار کند. با یک محدودیت: او از ارتفاع می‌ترسید.

سرکارگر به او گفت که باید به رفتن به نیوجرسی فکر کند، جایی که ساختمان‌ها آن‌قدر بلند نیستند، بنابراین او شروع به رفت‌وآمد دو ساعته از آپارتمان کوچکشان در بروکلین به محل کار در نیوجرسی کرد. او هفت روز در هفته کار می‌کرد و در محل کار می‌خواید تا ساعات کار را به حداکثر برساند و از کرایه روزانه انونبوس صرفه‌جویی کند.

فقط در تعطیلات مهم یهودیان به خانه می‌رفت. او نام مستعار جو تیشهای^(۶) را که استعاره از انتهای کندشده یک تیشه که برای کوبیدن میخ استفاده می‌شد - و به چند ضربه بسیار شدید نیاز داشت - به دست آورد.

پانوشته‌ها
۱- Holocaust
۲- Rae Kushner
۳- Novogrodok
۴- Joseph Berkowitz
۵- Hatchet Joe

مشروطیت از جمله حرکت‌های سیاسی ملت ایران است که با رهبری روحانیت آغاز گشت. این نهضت از تحولات چندگانهای که سال‌ها پیش شروع شده بود سرچشمه می‌گرفت: قیام تحریم تنباکو^(۱) و اعلاّی کلمه روحانیت و ملت، مقاومت در برابر امتیازات و قراردادهای استثماراری، نارسایی‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و... عواملی از این دست به ضمیمه قزون‌طلبی‌ها و ستمکاری‌های دولتمردان قاجار سبب قیام روحانیت و ملت، و درخواست تأسیس عدالتخانه برای جلوگیری از بیدادگری‌های حکومت علیه مردم شده بود، و شاه قاجار تسلیم گشته و خواسته عدالت‌خواهان تحقق یافته بود.

اما مبارزات مردم و روحانیت ادامه یافت و سرانجام نهضت مشروطه به سال ۱۳۲۴ ق. در دوران سلطنت مظفرالدین شاه قاجار و با تأسیس مجلس شورا به بار نشست.

این قیام نیز در اصل برای اقامه احکام اسلام و جلوگیری از ظلم و بیداد ارباب قدرت و قطع سلطه‌جویی بیگانگان صورت پذیرفته بود. ملت مسلمان ایران با اتکا به فرمان و فتوای مراجع تقلید و رهبران دینی توانست بر قدرت‌های بزرگی چون سلطنت قاجار غلبه کند و مقاومت روحانیان و مردم و تحصن آنان در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی و حرم حضرت معصومه(س)، مظفرالدین شاه قاجار را مجبور ساخت تا صدراعظم مقتدري همچون عین‌الدوله را بر کنار کند و به برگزاری انتخابات و تأسیس مجلس شورا و تدوین قانون اساسی تن دهد.^(۲)

امّا این نهضت که با انگیزه دینی و با قیامی انقلابی و جهادی برپا شده بود، با نفوذ عوامل بیگانه و تلاش عناصر خودفروخته، از هدف اصلی و آوای خویش دور افتاد و به عاملی برای تیشه زدن به ریشه دین تبدیل شد.

پانوشته‌ها:

۱- اقل (۸)، ۶۰ ج ۲- انفال (۸)، ۷۲؛ (توبه) ۹، ۴۱، ۴۴، ۸۸ و حج (۲۲)، ۱۵.

۳- حدید (۵۷)، ۱۶.

۴- امام خمینی(رحمّه‌الله)، صحیفه امام (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، ج ۱۸، ص ۱۷۰.

۵- بر اساس قرارداد رزی، امتیاز تنباکوی سراسر ایران، به مدت ۵۰ سال در انحصار یک شرکت انگلیسی قرار گرفت. زمانی که نتایج اولیه قرارداد مزبور و طبق گسترده حضور خارجیان در کشور و رفتار متکبران آنان با مردم به اطلاع میوزی شیرازی(رحمّه‌الله)، رسید، وی با بیش از بیست و هشتاد نفر از علما و روحانیان خود این قرارداد دقیق و فراست خدایدی خود را ردی کرد و با تأیید و دلت آنان را در پی حاکم‌دانشته. بنابراین در دی‌حجه ۱۳۰۸ قمری، ضمن ارسال تلگرافی به ناصرالدین شاه، این خطر را گوشزد کرد، اما وقتی بی‌وجهی شاه را دید، فتوای تأخیر تنباکو را صادر کرد.

۶- نظریه اسلام کرمانی، تاریخ پیداری ایرانین، ج ۳، ص ۵۵۸.